



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



The New York Times

ترامپ در مسیر احیای توافق قبلی

در توصیف گام‌های بعدی مذاکرات، یک نکته تلویحاً مشهود است: رئیس‌جمهور ترامپ آماده است از اصرار اولیه دولتش عقب‌بنشیند، یعنی از چیزی که مایکل والتز، مشاور امنیت ملی اش، «انحلال کامل» برنامه هسته‌ای ایران خوانده بود. مسئله اجازه به ایران برای حفظ توانایی غنی‌سازی، مشاوران ترامپ را دچار دودستگی جدی کرده است و در روزهای اخیر این دودستگی علنی هم شده است. ایران ستیزان دولت، به رهبری والتز و وزیر خارجه مارکو روبریو، مدعی‌اند باقی گذاشتن توانایی ایران برای تولید سوخت هسته‌ای خودش، بیش از حد خطرناک است. توافق بر سر سقف غنی‌سازی و سوخت هم‌ترامپ را در معرض این نقد قرار می‌دهد که او صرفاً در حال تکرار بخش‌های کلیدی توافق ۲۰۱۵ ایلاماست؛ توافقی که او «فاجعه» خواند و نهایتاً در ۲۰۱۸، باره کرد. ویتکاف در گفت‌وگوهای خصوصی دولت گفته اگر روی انحلال کامل اصرار کنند، بعید است که از گفت‌وگوها با توافق برگردد؛ توافق هم آن چیزی که ترامپ، تنها راه پرهیز از حمله نظامی به تأسیسات ایران خوانده است. به گفته منابع آگاه، مقامات ایرانی در گفت‌وگوهای خصوصی به مقامات آمریکا گفته‌اند، تمایل دارند سطح غنی‌سازی را به سطح توافق ۲۰۱۵ برگردانند، یعنی ۳/۶۷، میزان لازم برای نیروگاه‌های هسته‌ای. به این ترتیب ترامپ بعد از «فاجعه» خواندن و به‌هم‌زدن توافق، حالا چیزی بهتر از آن حاصل نخواهد کرد. دیوید آرون میلر، از اندیشکده کارنگی می‌گوید: «آنچه در رم و عمان در حال وقوع است، طنز طنزهاست: یعنی چیزی بسیار نزدیک [به توافق اوپاما].» این شاید بهترین چیزی هم باشد که ترامپ می‌تواند به دست بیاورد. این هفته مکرر از مقامات آمریکا پرسیده شده آیا آمریکا می‌تواند با ایرانی که توانایی غنی‌سازی دارد، کنار بیاید. مقامات از این سوال طفره رفته‌اند و صرفاً گفته‌اند ترامپ قول داده ایران اجازه ساخت سلاح هسته‌ای نخواهد داشت. خود ترامپ هم در این زمینه موضعی مبهم داشته و فقط در همین حد پاسخ داده است.

علی واعظ، مدیر بخش ایران گروه بین‌المللی بحرین می‌گوید، گفت‌وگوها تا مرز حله فنی پیش رفته‌اند و این سطحی از عملگرایی را نشان می‌دهد، یعنی بحث‌ها دربارۀ انحلال برنامه هسته‌ای ایران، اغلب فقط رست‌های علنی‌اند. ایران امکان اقدامی جسورانه را داده است: فرایندی اشتراکی برای اداره تأسیسات غنی‌سازی. این گزینه‌ای است که به دولت ترامپ اجازه می‌دهد اعلام کند، توافقی متفاوت با توافق اوپاما به نتیجه رسانده است. معلوم نیست آیا این شریک، ایالات متحده خواهد بود یا کشوری ثالث، ترجیحاً یکی از همسایگان عرب ایران در حوزه خلیج فارس. به گفته واعظ و یکی از مقامات ارشد ایران، بدون ذکر نام، این شراکت، یک لایه تضمین بیشتر ارائه خواهد کرد که برنامه ایران صلح‌آمیز است. این مقام ارشد ایرانی می‌گوید، ایران مهیای انتقال ذخیره اورانیوم غنی‌شده‌اش به روسیه یا کشوری دیگر هم هست، همان کاری که اوایل ۲۰۱۶ کرد، زمانی که توافق دوره اوپاما اجرایی می‌شد. این بار البته، برخلاف مذاکرات ۲۰۱۵، فرانسه، آلمان، بریتانیا، روسیه و چین از گفت‌وگوها بیرون نگاه داشته شده‌اند.

عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، به رسانه‌های ایرانی هم‌راهِش در رم گفته آمریکایی‌ها مسئله دیگری خارج از برنامه هسته‌ای مطرح نکرده‌اند: «به آن‌ها گفته‌ایم مذاکرات ما درباره مسئله هسته‌ای است و درباره هیچ چیز دیگری بحث نخواهیم کرد.» حمید ابوطالبی، دیپلمات سابق و مشاور سیاسی رئیس‌جمهور سابق، حسن روحانی، در مصاحبه‌ای در تهران گفت، این نشانه‌مبئی است که گفت‌وگوها پیش می‌روند، اما چالش‌های بسیاری هنوز برقرارند، پیش از آنکه توافقی را بتوان حاصل کرد: «چالش اصلی، جزئیات فنی نیست. روی این جزئیات قبلاً مذاکره کرده‌ایم. مسئله، قدرت ماندگاری توافق است. بدون بنیان ثابت سیاسی و دیپلماتیک، دقیق‌ترین توافق فنی هم برقرار نخواهد ماند.»

رسانه‌های ایران و کارشناسان محافظه‌کار، تصویری از پرچم‌های مینیاوتوری ایران و ایالات متحده، کنار هم روی یک میز منتشر کردند، وضعیتی متفاوت با رویه معمول سوزاندن و زیرپا گذاشتن پرچم آمریکا که بخشی اصلی در تظاهرات حامیان حکومت شده بود.



عکس: AP

بازی روسی در مذاکرات مسکو تا کجا با ایران همراهی می‌کند؟

محمود شوری تحلیل‌گر مسائل اوراسیا در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

روس‌ها علاقه‌ای ندارند برنامه هسته‌ای ایران از کنترل خارج شود

نگاه کارشناس

بین‌المللی انرژی اتمی شنیدیم که در خصوص برنامه هسته‌ای ایران گفت که غنی‌سازی ۹۰ درصدی هم خلاف قانون نیست. البته واقعیت امر این است که انتظار اصولی روسیه این است که هرگز برنامه هسته‌ای ایران به غنی‌سازی در این سطح نرسد. ایران، معتقد است که روسیه و چین دارای ظرفیتی هستند که می‌توانند تأثیر بگذارند و در تعامل با قدرت‌های غربی می‌توان از همراهی آنها استفاده کرد. اینکه ایران تلاش می‌کند سهمی برای روسیه و چین قائل شود و میزانی از نقش‌آفرینی برای آنها تعریف کند، قابل درک است، اما عملاً خیلی نمی‌تواند روی شرایط مذاکرات تأثیر جدی بر جای بگذارد.

اشاره کردید که روابط میان قدرت‌های بزرگ جهانی در حال تغییر است. تا سال ۲۰۱۰ که قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب شد، روسیه به تمامی شش قطعنامه تحریمی و محکومیت علیه برنامه هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد رای مثبت داده بود. فکر می‌کنید تغییر اساسی در موضع اصولی روسیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران در ۱۵ سال گذشته رخ داده‌باشد؟

هیچ تغییر اساسی در موضع روسیه رخ نداده است. روس‌ها همان نگرانی‌های پیشین و همان مسائلی را که در مورد گسترش برنامه هسته‌ای ایران و تلاش برای مهار آن داشتند، همچنان دارند. هیچ‌یک از این مسائل در سیاست اصولی روسیه تغییری نکرده است و مبنای نگاه روسیه به مسائل هسته‌ای ایران، همان نگاهی است که در دو دهه گذشته وجود داشت. آنچه تغییر کرده است نوع روابط روسیه با قدرت‌های بزرگ جهانی است. تا پیش از سال ۲۰۱۴ روسیه تلاش می‌کرد که خودش را به عنوان یک شریک مسئولیت‌پذیر به دولت‌های غربی تحمیل کند. اما این تلاش روسیه نتیجه‌بخش نبود و با اتفاق‌هایی که در پرونده اوکراین رخ داد کار روسیه و غرب به اینجایی رسید که اکنون شاهد آن هستیم. در نتیجه من باور دارم که هیچ تغییری در نگاه روسیه به برنامه هسته‌ای ایران صورت نگرفته است، بلکه آنچه تغییر کرده است نوع تعامل روسیه با غرب و نوع نگاه این کشور به نقشی است که در سطح نظام بین‌الملل ایفا می‌کند. به همین دلیل ممکن است با استفاده از شکاف‌های موجود، ایران بتواند از نقش روسیه بیشتر از دوران گذشته بهره‌مند شود. نکته دیگری که وجود دارد این است که مسکو برجام را سند کاملاً دقیقی می‌دانست که می‌توانست برنامه هسته‌ای ایران را مهار کند و جلوی از کنترل خارج شدن آن را بگیرد. محدودیت‌هایی که در چارچوب برجام برای برنامه هسته‌ای ایران وجود دارد، تضمین‌کننده منافع روسیه بود. برداشت روسیه و چین این بود که با رسیدن به برجام، به هدفی

مطرح شدن موضوع اسنپ‌پک نقش اروپایی‌ها بیشتر خواهد شد، روس‌ها نمی‌توانند نقشی ایفا کنند.

با توجه به گفت‌وگوهایی که در مورد پرونده هسته‌ای ایران میان ایران و آمریکا با میانجی‌گری عمان آغاز شده است، آیا فکر می‌کنید ما بار دیگر شاهد شکل‌گیری سازوکاری مشابه ۵+۱ باشیم که روسیه و چین هم در این مذاکرات به ایفای نقش بپردازند؟

من بعید می‌دانم که چنین اتفاقی رخ دهد. روابط میان قدرت‌های بزرگ جهانی از سال ۲۰۱۵ تاکنون دچار تحولات جدی شده است. تعارض‌ها میان روسیه و غرب در بحث اوکراین وجود دارد و همانطور اختلاف‌های چین و آمریکا که پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ تشدید شده است؛ موضوع‌هایی هستند که شاید اجازه ندهند گروه ۵+۱ را بار دیگر دور هم جمع کرد و به یک تصمیم مشترک رسید. مسئله دیگر این است که شاید دیگر ضرورتی برای تشکیل گروه ۵+۱ وجود نداشته‌باشد. آنچه ۵+۱ انجام داد، نتیجه‌اش برجام بود، روسیه و چین هم از آن حمایت کردند و این توافق توسط آمریکا نقض شد. امروز جمهوری اسلامی ایران از یک طرف با آمریکا مشکل دارد که از برجام خارج شده است و از طرف دیگر با اروپایی‌ها مشکل دارد که نگرانی‌هایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران دارند و در قالب تعامل ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آن را دنبال می‌کنند. باید منتظر ماند و دید که این دو مشکل چگونه حل می‌شود. یعنی ایران باید مشکلش را با تحریم‌های آمریکا از طریق مذاکره با آمریکا حل کند و مشکل مکانیسم حل اختلاف برجام با اسنپ‌پک را با اروپا حل و فصل کند. به این دلایل روسیه و چین چندان امکان و موضوعیتی برای حل مسائل پرونده هسته‌ای ایران ندارند.

به نظر می‌رسد که ایران در حال پیگیری چارچوب مذاکراتی جدیدی با روسیه و چین است. قبل از اینکه دور نخست مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مسقط برگزار شود، مقام‌های ایران، روسیه و چین در قالب دو نشست سه‌جانبه در این زمینه رایزنی کردند. فکر می‌کنید این چارچوب سه‌جانبه اثرگذاری داشته‌باشد و بتواند تأثیری بر نتایج مذاکرات ایران و آمریکا باقی بگذارد؟

ایران تلاش می‌کند که اجازه ندهد نقش روس‌ها و چینی‌ها در تعامل‌هایی که در ارتباط با موضوع هسته‌ای دارد، کم‌رنگ شود. تهران حضور چین و روسیه را یک ظرفیت برای خود تلقی می‌کند که از چین و روسیه در این تعامل استفاده کند. روسیه و چین دو قدرت بزرگ جهانی هستند که به برخی مسائل با ایران همسویی دارند. چند ماه پیش ما حتی از نماینده روسیه در آژانس

